بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 26 دی 1395.

این حدیث تثلیث را که صحبت می کردیم در واقع چهار تا متن حدیث تثلیث دوم داشت. یکی مقبوله عمر بن حنظله بود، یکی خطبه امیر المؤمنین بود که این دومی اش بود. سومی روایت سلام بن مستنیر بود و روایت چهارم، روایت نعمان بن بشیر بود. روایت نعمان بن بشیر را من یک، برای اینکه این بحث را روشن تر ادامه دهیم، نقل های مختلف این روایت را شماره های فرعی زده ام. شماره های فرعی آن مسند احمد چهار، 267 که دیروز خواندیم شماره یک. مسند احمد چهار، 271 شماره 2. مسند حمیدی که دیروز یک آدرسش را دادم جلد 2 صفحه 408، 410 هم به عین لفظش وارد شده است شماره 3. مسند احمد جلد 4 صفحه 270 شماره 4. سنن دارمی جلد 2 صفحه 245 شماره 5. شماره 6 یک متنی است که من دیروز این متن را نخواندم. صحیح بخاری جلد 1 صفحه 19. آدرس اینها را بر اساس آدرس معجم فقهی آقای کورانی دارم می دهم.

عامر قال سمعت نعمان بن بشیر یقول سمعت رسول الله ص یقول الحلال بیّنٌ و الحرام بیّن و بینهما مشبّهات

این تعبیر جدیدی که این دارد آنها بعضی هایش شبهات، این نه مشبهات دارد.

لا یعلمها کثیر من الناس

ادامه اش دارد

فمن أتی المشبهات

این اتّقی باید باشد. من فرصت نکردم نسخه های دیگر صحیح بخاری را ببینم. این حتما باید اتّقی باشد. این تعبیری که در این چاپ هست

فمن أتی المشتبهات استبرء لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات

شاگرد: اتقی است.

استاد: در همین صحیح بخاری که شما دارید؟ چه چاپی است؟

شاگرد: بله! شامله است. جلد 1 صفحه 101.

فمن اتقی المشبهات استبرء لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات کراع یرعی حول الحمی یوشک ان یواقعه علی و انّ لکل ملکٍ حمی علی ان حمی الله محارمه علی ان فی الجسد تا آخر

شماره هفت مسند احمد جلد 4 صفحه 275 که خواندم دیروز. شماره 8 معرفه السنن و الآثار بیهقی جلد 7 صفحه 577. شماره 9 مدوّنه کبری مالک جلد 3 صفحه 441. شماره 10 مسند احمد جلد 4 صفحه 269. سه تا متن دیگر هم یادداشت کرده ام حالا اینها را بخوانم. یکی صحیح بخاری جلد 3 صفحه 4. در صحیح بخاری یک بابی دارد، باب الحلال بینٌ و الحرام بیّنٌ و بینهما مشبّهاتٌ. در آن عنوان باب هم با تعبیر مشبّهات دارد. روایتی که نقل می کند

النعمان بن بشیر قال قال النبی ص الحلال بیّن و الحرام بیّن و بینهما امورٌ مشتبه فمن ترک ما شبّه علیه من الإثم

آن امور مشتبه است ولی بعدش ما شبّه است.

کان لم استبان اترک و من اجترأ علی ما یشکّ فیه من الإثم أوشک ان یواقع ما استبان و المعاصی حمی الله و من یرتع حول الحمی یوشک ان یواقعه

بعدش هم این روایت که تمام می شود باب تفسیر المشبّهات. ایشان تعبیر مشبّهات آورده است. این هم رقم شماره 11. شماره 12 در صحیح مسلم هست جلد 5 صفحه 50

الشعبی عن النعمان بن بشیر قال سمعته یقول سمعت رسول الله ص یقول النعمان ؟؟؟؟10/10 ان الحلال بیّن و انّ الحرام بیّن و بینهما مشتبهات لا یعلمهنّ کثیر من الناس فمن اتقی الشبهات استبرء لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام کالراعی یرعی حول الحمی یوشک ان یرتع فیه علی و ان لکلّ ملکٍ حمی و علی و انّ حمی الله محارمه علی و انّ فی الجسد

تا آخر روایت. شماره 13، این شماره 13 یک تازگی ای دارد که در هیچ یک از نقل های دیگر این نیست. این در صحیح مسلم که قبلی که خواندم صحیح مسلم بود بعد از آن روایت در صفحه بعدش جلد 5 صفحه 51،

عامر الشعبی انه سمع النعمان بن بشیر بن سعد صاحب رسول الله ص و هو یخطب الناس بحمص

محل خطبه اش را اینجا ذکر کرده است

و هو یقول سمعت رسول الله ص یقول الحلال بیّن و الحرام بیّن فذکر مثل حدیث زکریا عن الشعبی

تا آخر. یکی دو تا نقل دیگر هم هست که من هنوز یادداشت نکرده ام حالا این چند تا را داشته باشید این مقدار را. ببینید در جلسه قبل یک نقل هم از امالی شیخ طوسی نقل کردم آن را چون یک کمی متنش با اینها فرق دارد الحلال بیّن والحرام بیّن و امثال اینها در آن به این روشنی نیست آن را فعلا کنار گذاشتم آن جزء متفرعات بحث قرار می دهیم. در این روایت تفاوت هایی که وجود دارد یک سری تفاوت ها در مقدمات حدیث هست که نمی دانم نعمان بن بشیر بالای منبر گفت نمی دانم دستش را به طرف گوشش دراز کرد و اشاره کرد و یا شعبی می گوید که من وقتی نعمان بن بشیر سمعت رسول الله می گفت خیلی دقت می کردم چه می کردم حالا مقدمات حدیث بماند یعنی چیزهایی که مربوط به کلمات خود پیغمبر نیست را بگذریم. یک تکه ای در مورد خود حدیث هست. اولین تفاوتش اینکه حلال الف لام دارد یا ندارد. در یک سری از نقل ها حلال بی الف و لام است. چهار یک، چهار دو، چهار سه، چهار هفت و چهار هشت. و در این نقل هایی که من ذکر کردم اکثرا حلال با الف لام است. چهار چهار، چهار پنج، چهار شش، چهار نه، چهار ده، چهار یازده، چهار دوازده و چهار سیزده. یک تعبیر، تعبیر شبهات ما در واقع یک شبهات داریم یک مشتبهات داریم و یک امور مشتبهه داریم و یک امور مشتبهات داریم و یکی هم مشبّهات داریم. حالا مشبّهات مال ذیلش است ولی خود این مشبّهات در عنوان بابش است. ولی در خود روایت امور مشبّهه

شاگرد:

استاد: و بینهما مشبّهات آهان در صحیح بخاری چهار شش. بله مشبّهات هم داشتیم. شبهات چهار یک، چهار دو، چهار سه. مشتبهات چهار چهار، چهار پنج، چهار هشت، چهار ده. مشبّهات چهار شش. امورٌ مشتبهه چهار هفت. آهان مشتبهات چهار دوازده است. در چهار سیزده هم مثل چهار دوازده است. این تعبیرات مختلف دارد. شبهات، مشتبهات. امور مشتبهات چهار نه و امثال اینها. خب ما در اینها اینکه کلمه امور داشته باشد در غالب چیزها امور ندارد. امور را در آن اولی بحث حلال و الحلال، بیشتر الحلال است ولی خب کلمه حلال هم کم نیست. مرحوم آقای صدر اینجا یک بحثی مطرح کرده است که چون الحلال بیّن و الحرام بیّن اگر الف و لام داشته باشد باید آن شبهاتی که در قطعه دیگرش است را باید به یک معنای دیگری کنیم چون می گوید اگر حلال مشخص است حرام مشخص است دیگر چه معنا دارد که یک اموری داشته باشیم که شک داشته باشیم که جزو حلال است یا حرام. حلال مشخص است دیگر. یک موقعی می گوییم که سه قسم داریم. حلال بین حرام بیّن، امور مشبّهه. یعنی تقسیم سه گانه ولی الحلال بیّن و الحرام بیّن و بینهما مشبّهات یا حالا شبهات مشتبهات هر چه هست اینها باید یک معنای دیگری کرد که ایشان این معنای شبیه و این جور چیزها را کأنه الحلال الف و لام جنس است یعنی حلال مشخص است حرام هم مشخص است بنابراین قسم سومی در آن باقی نمی ماند. در اینجا یک بحث این است که اصلا حالا آن معنایی که ایشان اینجا برای شبهات می گوید اینجا اصلا معنا دارد؟ شبهات یک معنایی که سابقا گفتیم، شبهه یعنی شبه دلیل. چیزی که دلیل نیست شبه دلیل است. اصلا اینجا معنا ندارد که حلال بیّن است حرام بیّن است شبه دلیل بین اینها است. چه ربطی به حلال و حرام دارد اصلا قابل مقایسه نیست. این یک نکته و نکته دوم اینکه آیا معنای بیّن بودن حلال این است که همه مردم هم می دانند که بگوییم مشتبهات ندارد یا حلال بیّن است مراد این است که در منبع خودش بیان شده است. یعنی در جای خودش بیان شده است به طوری که اگر کسی گوش به شیطان ندهد و به منبع آن برود می تواند آن حلال را در یابد. این مطلبی که می خواهم بگویم در این نقل غیر از حدیث نعمان بن بشیر آن سه حدیث اولی که ما داشتیم، حدیث سلّام بن مستنیر یک تعبیری دارد این تعبیر خیلی خوب هست برای تفسیر این حلالٌ بیّن. ببینید می گوید

قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ- وَ بَيَّنْتُهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي- وَ بَيْنَهُمَا شُبُهَاتٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ بِدَعٌ بَعْدِي

ببینید این بینٌ دقیقا می تواند همین معنایی باشد که در این نقل سلّام بن مستنیر وارد شده است.

سؤال: شک به معنای شک و تردید است حاج آقا

پاسخ: بله شک و تردید. بیّنه الله عز و جل می گوید خدا این را بیان کرده است. اگر تشکیکات شیطانی نیامد همه مردم هم یا می گرفتند. یعنی اقتضاء بیان وجود دارد مانع خارجی که شبهات شیطانی هست، این شبهات شیطانی مانع درک مردم شده است. و بینهما شبهاتٌ نه اینکه

سؤآل: افراد مورد نظر باشد یعنی به این معنا که حلال ها برای نوع افراد معلوم است و حرام ها هم برای نوع مردم معلوم است

پاسخ: آن هم معلوم است یعنی بیّن بودن به اعتبار بیّن نوعیه آن اشکال ندارد. ولی آن معنا شاهد خارجی ندارد. آن ذاتا دقیقا بیّن همین است و لا یعلمها کثیرٌ من الناس هم اشاره به این باشد که خیلی از مردم این را نمی دانند ولی عده ای دیگر هم می دانند. اهلش می دانند و امثال اینها. این که شهید صدر شبهات را به معنای امور مشتبهه و اموری که معلوم نیست حلال است یا حرام است، به این معنا نمی گیرند علاوه بر اینکه یکی از این نقل هایی که در جلسه قبل خواندیم صریح است در اینکه شبهات به این معنا است. آن نقل چهارٍ ده. مسند احمد چهار، 269 که آن هم با همین تعبیر حلال بیّن و الحرام بیّن با همان الف و لام هم آمده است.

سمعت النعمان بن بشیر یقول سمعت رسول الله ص ؟؟؟45/22 انّ الحلال بیّن و الحرام بیّن و انّ بین الحلال و الحرام مشتبهات لا یدری کثیرٌ من الناس أ من الحلال هی أ من الحرام

صریحا معنا می کند که مشتبهات یعنی چه. لا یدری کثیرٌ من الناس أ من الحلال هی أ من الحرام. این صراحت دارد و آن نقل سلّام بن مستنیر هم نقل کاملا خوبی است برای اینکه ما معنای بیّن را بگوییم مراد از بیّن نه اینکه شما می دانید که خب بگویید اگر حلال را شما می دانید و حرام را هم شما می دانید دیگر مشتبه برای شما نیست. یا همه مردم میدانند. بیّن هست یعنی در موضع خودش در آن جای خودش که قرآن و سنّت و سیره نبوی هست بیان شده است. و اینکه شبهه ایجاد شده است به خاطر وسوسه های شیطانی هست، شیاطین جنّ و الانس که این وسوسه ها را ایجاد کرده اند. این است که اگر این باشد خب کاملا عبارت می تواند معنای چیز بگیرد. من سینه ام اجازه نمی دهد بیشتر صحبت کنم فقط یک نکته ای اینجا عرض کنم، آن هم باشد برای جلسه بعد.

سؤال: حاج آقا مخالف آن استصحاب شما نیست که بگوییم که مثلا این حلال و حرام و بیّن شبهات، اینها مربوط به قبل از رجوع به ادله است

پاسخ: آن مال آن عبارت قبلی بود. این را باید جداگانه بحث کنیم. آن قطعه، قطعه ای بود که ما می گفتیم که این احتمال وجود دارد که مراد از، آن بحث حلال و حرام نبود آنجا. بحث بیّن رشده و بیّن غیّه بود. حلال و حرام ظاهرش حلال و حرام واقعی است. رشد و غی امور بالفعل است. یعنی آن چیزی که حرام واقعی باشد ولی حکم ظاهری به حلّیّت داشته است، آن بیّن رشد است. رشد و غی ناظر به حکم بالفعل شارع است ولی حلال و حرام متفاوت است. حکم این روایت با آن روایت قبلی یکی نیست این است که جدا باید کنیم و بحث هایش را هم جداگانه بحث می کنیم انشاءالله. یکی دو تا فرق دیگری در این روایت هست که در جلسه بعد عرض می کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد